

تحلیل تماتیک مفهوم عشق به خالق در فیلم مادر آرنوفسکی بر اساس اخلاقیات آگوستین

زهرا السادات حسینی (نویسنده مسئول)* سید محمدحسین نواب**

چکیده

آگوستین به‌عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته در حوزه اندیشه مسیحیت مورد توجه متفکران بوده است. اندیشه‌های او بر پایه ایمان مسیحی شکل گرفته و ریشه آن باورمندی به خدای یگانه است. یکی از آموزه‌های مهمی که ذیل خداباوری آگوستین قرار دارد، مفهوم عشق است. آگوستین عشق را به‌مثابه مفهومی مورد توجه قرار می‌دهد که بالاترین تجلی ایمان و باورمندی مومنانه را در بر می‌گیرد. بر اساس عقاید او می‌توان مولفه‌هایی را ذیل مفهوم عشق دسته‌بندی کرد که شامل اشتیاق برای رسیدن، حرکت ارادی به‌سمت عشق، نیک زیستن، بخشایش عشق، غایت: اتحاد عاشق و معشوق و مراتب عشق می‌شود. از آنجا که سینمای غرب با مفهوم عشق فیلم‌های متعددی ساخته است، می‌توان فیلم مادر ساخته دارن آرنوفسکی را به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر که کمتر از منظر مفهوم

* دانشجوی دکتری، دانشکده دین و هنر، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، zshosseini93@gmail.com

** استادیار، دانشکده حکمت و فلسفه هنر، موسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی، قم، ایران،

عشق به آن توجه شده است، بر اساس آموزه‌های آگوستین مورد بررسی قرار داد. بنابراین هدف از انجام این پژوهش تحلیل فیلم مادر بر اساس مولفه‌هایی است که توسط پژوهنده از آرای آگوستین به دست آمده است. به این منظور با روش تحلیل تماتیک، رابطه سه شخصیت مهم و موثر فیلم، یعنی مادر، مرد و زن با او در جداولی مطابق با این روش پژوهشی به دست آمده و این نتیجه حاصل شده است که در فیلم مادر سه شخصیت مهم فیلم، به مفهوم مسیحی عشق از منظر آگوستین نزدیک شده، اما با آن فاصله دارند.

کلیدواژه‌ها: آگوستین، عشق، آرنوفسکی، سینما، فیلم مادر، تحلیل تماتیک.

مقدمه

فیلم مادر! ساخته دارن آرنوفسکی،^۱ از جمله بحث‌برانگیزترین فیلم‌هایی است که در سال‌های اخیر توسط این کارگردان ساخته شده است. این فیلم که در ژانر وحشت-روانشناسانه، علمی-تخیلی و حتی گاهی فلسفی دسته‌بندی می‌شود، تلاش کرده با داستانی استعاره‌ای ماجرای خلقت زمین و آفرینش را به تصویر بکشد. آرنوفسکی یهودی‌زاده‌ای است که احتمالاً بر اساس آموزه‌های مسیحی فیلم خود را نساخته، اما از آنجا که کتاب عهد عتیق نزد مسیحیان و یهودیان مشترک است، می‌توان این فیلم را بر اساس آموزه‌های مسیحی مورد بررسی قرار داد. یکی از متالهان مسیحی که نظر او برای جامعه علمی و دینی مهم است، آگوستین قدیس^۲ است.

آگوستین یکی از آباء نخستین کلیسا است که کتاب‌های متعددی از جمله اعترافات، در باب تثلیث، شهر خدا، معنی لفظی کتاب سفر پیدایش، اصول عقاید مسیحی، هشتاد و سه سوال مختلف و رسالات علیه دین مانوی را نوشته که دو کتاب اعترافات و شهر خدا به فارسی ترجمه شده است. او در کتاب اعترافات، به سرگذشت زندگی خود پرداخته است. در این کتاب می‌توان با عقاید او بیشتر آشنا شد. با مطالعه کتاب اعترافات می‌توان فهمید که نقش

1. Darren Aronofsky
2. Saint Augustinus

خدا و عشق به او تا چه اندازه در زندگی شخصی آگوستین پررنگ است. او بعد از ایمان به خدا تمام کردار خود را با خداوند و رضایت او سنجیده و هر عملی برای غیر او را نکوهیده و گذشته بی‌خدای خود را مورد سرزنش قرار داده و از خدا طلب بخشش کرده است.

نقطه مشترک فیلم مادر! و افکار آگوستین محوریت عشق در هر دوی آنهاست. فیلم مادر! با قلبی شیشه‌ای که نمادی از عشق است، آغاز شده و با همان قلب به پایان می‌رسد. عشق زن/مادر به خالق/او که نمادی از زمین است، در سرتاسر فیلم مشهود است و از این منظر که فیلم بر اساس مفاهیم دینی ساخته شده است، می‌توان آن را از منظرگاهی دینی مورد بررسی قرار داد. آگوستین از جمله متفکران مسیحی است که افکارش آمیخته با عشق به پروردگار است و همه امور را با او و عشق به او می‌سنجد. او از عشق به دیگران، عشق به خود و عشق به همسایه سخن گفته و همه این‌ها را زمانی با ارزش تلقی می‌کند که به خاطر خداوند باشد، و نه خود آن‌ها.

بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند ضمن تبیین مولفه‌های عشق از منظر آگوستین، به تطبیق این مولفه‌ها بر شخصیت‌های محوری فیلم مادر! اثر دارن آرنو فسکی پردازد. بدین منظور، پژوهش پیش‌رو ابتدا عشق از منظر آگوستین را مورد بررسی قرار داده، سپس به اختصار اثر آرنو فسکی را معرفی کرده و در نهایت با روش تحلیل تماتیک به ارزیابی مولفه‌های عشق آگوستینی بر سه شخصیت مهم و موثر فیلم، یعنی مادر، مرد و زن می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

مهم‌ترین پژوهش درباره عشق از منظر آگوستین را هانا آرنت^۱ در کتاب عشق و آگوستین قدیس (۱۴۰۰) به رشته تحریر درآورده است. در این کتاب آرنت از زاویه نگاه خود که دیدگاهی اگزیستانسیالی است، به مقوله عشق از منظر آگوستین پرداخته است. او در سه بخش تلاش کرده تا نظرات آگوستین درباره عشق را بسط دهد. در بخش اول ساختار اشتیاق

را توضیح داده و عشق و اشتیاق را مساوق یکدیگر معرفی می‌کند که این اشتیاق حرکتی ارادی به سوی خیر است. سپس دو نوع عشق که یکی کاریتاس^۱ و دیگری کوپیدیتاس^۲ است را مورد شرح و بررسی قرار داده است. کاریتاس عشقی والا و بدون ترس و متعلق به عالم بالا و کوپیدیتاس عشقی پست و همراه با ترس و متعلق به زمین است.

خود کاریتاس ترتیبی دارد که اول عشق به خداوند است، بعد عشق به خود و همسایه که در یک سطح هستند. سپس عشق به دیگری که در بخش دوم تلاش شده تا همین مباحث تشریح شده و توضیحات بیشتری داده شود. در بخش سوم آرنه تلاش کرده تا مفاهیم سابقه که در باره آن‌ها توضیحاتی ارائه کرده است را در زندگی اجتماعی بشر تحلیل و بررسی کند و مفهوم همسایه و دیگری از منظر آگوستین را گسترش داده و آن را قابل فهم‌تر کند.

ناهید غیائی، بخشعلی قنبری و محمدرضا عدلی در بخشی از مقاله «اخلاق شفقت به روایت آگوستین» (۱۴۰۱) به عشق و محبت از نگاه آگوستین پرداخته‌اند. در این مقاله مولفه‌هایی برای اخلاق شفقت معرفی شده است که یکی از آن‌ها عشق و محبت است. از نظر نویسندگان این مقاله، آگوستین محبت را احساس همدردی در مقابل سایر افراد تعریف می‌کند و معتقد است عشق به خدا در دوستی با خلق آشکار می‌شود. بنابراین شفقت داشتن نسبت به مخلوقات، نشانی از عشق و محبت به پروردگار است؛ و عشق به پروردگار بالاترین نوع عشق است و عشق به خود، همسایه، دیگری و طبیعت در مراتبی پایین‌تر قرار می‌گیرد.

صدیقه بحرانی و محمدرضا اسدی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی برخی از ابعاد عشق الاهی از دیدگاه مولوی و آگوستین» (۱۳۹۷) تلاش داشته‌اند تا عشق الاهی از منظر آگوستین را در مقایسه با مولوی مورد بررسی قرار دهند و اشتراکات و افتراقات این دو متفکر را بیان دارند. آن‌چه در این مقاله مورد اهمیت است، بخش نظریات آگوستین است که نویسندگان، آن را در بخش‌های مختلف اعم از جایگاه عشق در عرفان آگوستین، نقش عشق در آفرینش، فراگیر بودن عشق الاهی، ارتباط جست‌وجوی خداوند و یافتن او، ارتباط عشق

1. Caritas
2. Cupiditas

الهی و توجه انحصارگرایانه، نسبت عشق الهی و دوست داشتن دیگران، ارتباط عشق الهی و عشق مجازی، تمایل به یکی شدن با معشوق، ارتباط عقل و عشق، نسبت عشق و زیبایی و نتایج عشق الهی مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته‌اند که از نظر آگوستین، عشق علت آفرینش انسان و تمام هستی است و آغاز آن از سوی خداوند است و رسیدن به آرامش، شادی و لذت در سایه عشق الهی صورت می‌پذیرد، اما عشق الهی با عشق مجازی و ازدواج در تعارض است. این نظریه از مبانی فکری مسیحیت نشأت گرفته است که ازدواج و میل جنسی را ذاتاً پلید و شری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کند، چراکه از منظر مسیحیان عشق مجازی و دل‌بستگی به چیزی غیر از خدا باعث دور شدن از جلب رضایت خداوند می‌شود.

زهرا کوشکی در مقاله «انعکاس عشق در آیین ادیان» (۱۳۸۹) تلاش کرده تا با مقایسه تطبیقی عشق در عرفان قدیس آگوستین و عطار نیشابوری به تفاوت‌ها و شباهت‌های میان دو سنت عرفانی مسیحی و اسلامی درباره این مفهوم بپردازد. سعادت انسان در هر دو تفکر دغدغه و موضوع بحث است. از نظر نویسنده، پیشینه فکری و معرفتی آگوستین از دو آبخور مهم یکی مانویت - که بعدها آن را کنار گذاشت - و دیگری، با توجه به آشنایی با زبان لاتین، تاثیر پذیرفته از دین یهودی، اصول نوافلاطونی و ادبیات یونان و روم بوده است. او بعد از گرایش به مسیحیت از این پیشینه بهره برد و نوشته‌های خود را با تاثیر از آن‌ها و تطبیق با آموزه‌های مسیحی به نگارش درآورد. نویسنده در بخش تقابل عقل و عشق به این نکته اشاره دارد که در عرفان مسیحی بیشتر از عشق محض صحبت شده و محبت به خدا، حضرت عیسی و سایر بندگان خدا، به جای همه چیز می‌نشیند. از نظر آگوستین تنها راه رسیدن به حقیقت راه دل و ایمان است، البته ایمانی معقول، چراکه خداوند جهان را بر اساس محبت به خودش آفریده است، اما انسان به واسطه گناه نخستین از خداوند دور افتاده است و این برای عارف مسیحی درد و رنجی دارد که می‌تواند با ایمان به مسیح و عشق به خداوند به نجات امید داشته باشد.

با توجه به پیشینه پژوهش، مشخص شد تمام پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا عشق آگوستین را به نحوی تبیین کنند، اما هیچ یک از آن‌ها تفکرات آگوستین درباره عشق را با دسته‌بندی پژوهش حاضر ارائه نکرده‌اند. همچنین یکی از نوآوری‌های این پژوهش تطبیق این

مولفه‌ها بر یک فیلم با مضامین مسیحی است که پیش از این صورت نگرفته است.

آگوستین قدیس

آگوستین، عارف و فیلسوف مسیحی با ایمان و عاشقی است که مسیر زندگی پریچ و خمی را پشت سر گذاشته است. عشق در زندگی او پیش از ایمان به خدا به وجود آمد و تجربه‌ای زمینی از آن را به واسطه ایمان به خدا به عشقی الهی تبدیل کرد؛ ایمانی که نه به واسطه‌ی دیگری، بلکه با جستجوی حقیقت آن را کشف کرد. او هم بی‌خدایی را تجربه کرد، هم ثنویت مانوی را، اما در آخر به جایی بازگشت که پیش از آن مادرش به آن تعلق داشت. با این که مادرش بانویی مسیحی باایمانی بود، او ترجیح داد تا خود مسیر ایمانش را بیابد و دین مسیحیت را پس از مطالعه و بررسی تفکر مانویان و سپس افکار افلاطون به دست آورد.

او پس از ایمان به مسیحیت، نقدهای زیادی بر تفکر مانویان نوشت. با این حال در نوشتار و گفتار فلسفی او علاوه بر تاثیر تفکر افلاطون، تاثیر تفکر مانویان نیز دیده می‌شود. فلسفه آگوستین جدای از دین مسیحیت نبود. او بر اساس دین مسیحیت و آموزه‌های آن فلسفه‌ورزی کرده و سعی داشت مسیر ایمانی خود را به شکلی نظری بیان کند. بنابراین به نظر می‌رسد فلسفه او بیشتر به عرفان نظری می‌ماند تا فلسفه یونانی و عقل‌گرایی محض. آگوستین پس از ایمان به خدا و دین مسیحیت، همه چیز خود را وقف این ایمان و به گفته خودش «این عشق» کرد. او همه پدیده‌ها را با خدا و ایمان به او سنجیده و حتی عقل بدون ایمان را در مسیر انحراف می‌بیند.

عشق مورد تایید آگوستین، عشقی الهی است که هر آفریده و زیبایی‌ای که بتوان به آن محبت داشت، ذیل آن قرار می‌گیرد. او برای زیبایی تعریف‌ها و میزان‌هایی دارد، اما معتقد است که هیچ زیبایی در این دنیا نمی‌تواند او را بفریبد و از یاد خدا غافل کند. خوب او خود خداست و زیبایی‌هایی که روح را دگرگون کنند، ناشی از زیبایی‌ای هستند که بالاتر از روح قرار دارد (تاتارکویچ، ۱۳۹۶: ۱۴۸). در اندیشه او رسیدن به سعادت و بهجت تنها از

طریق لقای خداوند به دست می آید که این اتحاد، اتحادی عاشقانه است. (کاپلستون، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

آگوستین عشق را به مثابه مفهومی مشاهده می کند که در عین بساطت، چندوجهی است. او در ذیل بحث از این مفهوم، مولفه هایی را مورد توجه قرار می دهد که به نوعی گونه هایی از تجلی عشق در ذهن خدا باورش می باشند. این مولفه ها که همگی در نسبت مشخصی با یکدیگر، نمودی از تجلی مفهوم عشق والای الهی است که از مولفه هایی مانند اشتیاق برای رسیدن، حرکت ارادی به سمت عشق، نیک زیستن، بخشایش عشق، غایت: اتحاد عاشق و معشوق و مراتب عشق تشکیل شده اند. در ادامه هر یک از این مولفه ها به صورت خاص در اندیشه آگوستین معرفی می شوند.

اشتیاق برای رسیدن

تعریف آگوستین از «عشق» ارتباط مستقیمی با اشتیاق دارد. او در کتاب ۸۳ سوال می نویسد: «عشق ورزیدن در واقع چیزی نیست جز دوست داشتن چیزی به خاطر خودش» (آگوستین، ۱۳۸۲: ۶۴) و در ادامه اظهار می دارد که «عشق، نوعی اشتیاق است» (همان). این پیوند بین عشق و اشتیاق به این دلیل است که از نظر آگوستین برای دستیابی به عشق باید اشتیاق داشت و این «اشتیاق یا عشق، امکان دستیابی انسان به تملک آن خیری است که او را سعادت مند خواهد ساخت، یعنی تملک آنچه بیش از هر چیزی از آن اوست.» (آرنت، ۱۴۰۰: ۴۸) همچنین آگوستین در کتاب اعترافات خود بیان می دارد: «پروردگارا! بگذار تا عاشقت باشیم و به سوی تو بشتاییم.» (آگوستین، ۱۳۸۱: ۲۳۸) این درخواست عشق و شتاب به سوی پروردگار نشانی از همان اشتیاق است که سرعت رسیدن معشوق به عاشق را بیشتر کرده و عاشق را برای رسیدن به سعادت یاری می رساند.

حرکت ارادی به سمت عشق

اشتیاقِ انسان برای رسیدن به عشق باعث ایجاد حرکتی ارادی در او می‌شود. این اراده دو نوع است: اراده خیر و اراده شر. اراده خیر آن اراده‌ای است که انسان را به سمت خدا و خیرِ اعلی سوق می‌دهد. بنابراین هنگامی که آگوستین می‌گوید: «انسان از روی اراده به سوی خدا حرکت می‌کند و در نهایت به لقای خدا نایل می‌شود» (کاپلستون، ۱۳۸۷: ۱۰۴)، منظورش اراده‌ای خیر است. ارادی بودن این حرکت به این دلیل است که عاشق، خود خواسته که عاشق باشد، او عشق را انتخاب کرده و این از اراده‌ی او برخاسته است. در واقع از نظر آگوستین «عشق نوعی حرکت است و هر حرکتی به سمت چیزی است.» (آگوستین، ۱۳۸۲: ۶۴) همان‌طور که گفته شد، آگوستین، اشتیاق، حرکت و عشق را با نوعی پیوستگی و هم‌بستگی و شاید مساوق یکدیگر در نظر گرفته و آن‌ها را جدا از هم نمی‌داند. «بنابراین، اخلاق آگوستین حول محور پویایی اراده، یعنی پویایی عشق می‌چرخد.» (کاپلستون، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

نیک زیستن

از آنجا که آگوستین همه زندگی بشر و رفتارهای او را ذیل خواست و توجه خدا و برای خاطر او می‌داند، نیک زیستن را نیز در سایه توجه و عشق به خدا در نظر می‌گیرد. او معتقد است «جست‌وجوی خیر اعلی نیک زیستن است و نیک زیستن چیزی جز دوست داشتن خداوند از صمیم قلب و جان و دل نیست.» (همان، ۱۰۴) بنابراین انسانی که خداوند را از صمیم قلب دوست بدارد، نه از او نافرمانی کرده و نه از او روی می‌گرداند. او تلاش می‌کند همان‌گونه باشد که خالق از او انتظار دارد.

بخشایش عشق

از نظر آگوستین انسان سعادت‌مند و باایمان نباید به مخلوقات دلبسته شود و عاشق آن‌ها باشد، مگر در سایه عشق به خداوند، چراکه عشق و محبت به واسطه روح القدس از سمت

خداوند به انسان اعطا شده است (آگوستین، ۱۳۸۱: ۱۲۰) و او باید همان عشق را به پروردگار خود داشته و آن را نثار خالق کرده و همه را در خداوند و محض خاطر او دوست بدارد، چه دوست و چه دشمن (همان، ۱۲۶). او در کتاب اعترافات می‌گوید: «عشق خویش را از آن‌ها برگیر و نثار خالق کن؛ [...] اگر انسان‌ها تو را سرخوش می‌دارند، آن‌ها را در خداوند دوست بدار» (همان، ص ۱۲۸). با توجه به این عبارات مشخص است که آگوستین عشق و دوست داشتن سایر مخلوقات را پذیرفته، اما نه جدا از خداوند، بلکه او می‌خواهد انسان‌ها یکدیگر را به خاطر خداوند دوست بدارند و توجه ویژه خود را به خالق داشته باشند. به همین علت توصیه می‌کند که: «آن‌ها را بگوی تنها باید خداوند را عاشق باشیم. او است که جهان را آفریده است و در کنارش می‌ماند.» (همان، ۱۲۹) این امر کاملاً در تطابق با آموزه‌های دین مسیحیت است که معتقد است باید به انسان به خاطر خدا و به خدا به خاطر خودش عشق ورزید. (آرنت، ۱۴۰۰: ۱۰۲)

غایت: اتحاد عاشق و معشوق

اخلاق مدنظر آگوستین جزء دسته اخلاقیات سعادت‌گرایانه به حساب می‌آید. او معتقد است برای دستیابی به سعادت باید به یک غایتی نایل شد و آن غایت، خداوند است. راه رسیدن به چنین سعادت‌تی اتحادی عاشقانه با خداست، چراکه خیر از وحدت برخوردار است و وحدت، وضع ذاتی حقیقت و خیر محض است (آگوستین، ۱۳۸۱: ۱۳۳). بنابراین وحدت است که به خیر می‌انجامد. این اتحاد فوق طبیعی با تلاش فرد باایمان و با یاری خداوند حاصل می‌شود. آگوستین انسان را عینی، واقعی و طبیعی، و رسالت او را فوق طبیعی می‌داند. بنابراین چندان نمی‌توان اخلاق طبیعی و فوق طبیعی را در تفکر آگوستین از یکدیگر جدا کرد. (کاپلستون، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

مراتب عشق

آگوستین با اشاره به سخنان مسیح معتقد است که انسان برای دستیابی به خیر اعلی

هم باید خداوند را از صمیم قلب دوست داشته باشد و هم همسایه‌های خود را. او باید به آن‌ها همان‌گونه محبت کند که به خود محبت می‌کند (همان، ۱۰۴). در واقع هرآنچه برای خود می‌پسندد، برای همسایه هم بیسندد. بنابراین عشق به خداوند، سرسلسله این مراتب است و عشق به خود بعد از عشق به خداوند قرار گرفته و عشق همسایه در مرتبه‌ای هم‌تراز با عشق به خود است. چنان‌که او بیان می‌دارد: «به همسایه‌ات عشق بورز، چنان‌که به خود عشق می‌ورزی.» (آرنت، ۱۴۰۰: ۱۰۵) بنابراین می‌توان گفت عشق به مخلوقات، در واقع عشق به خداوند است، چراکه خدا آن‌ها را دوست دارد. این عشق نباید جدا از عشق به خالق باشد؛ این عشق باید ذیل آن قرار بگیرد.

«به نظر آگوستین سلسله‌مراتبی طبیعی برای ارزانی کردن عشق در کار است.» (همان، ۱۰۱) عشق به پروردگار، عشق به خود، عشق به همسایه و عشق به دیگری. در واقع عشق به دیگری که نه خود است و نه همسایه، در مرتبه آخر قرار می‌گیرد. «این سلسله‌مراتب میان آنچه بالاتر از ماست، آنچه هم‌ردیف ماست، و درنهایت آنچه پایین‌تر از ماست، تمایز می‌گذارد.» (همان، ۱۰۸) با توجه به تعالیم مسیحیت، منظور آگوستین از همسایه، همان هم‌کیشان مسیحی و دیگر افرادی غیر از مسیحیان هستند که به هر حال باید به آن‌ها نیز عشق داشت، اما عشق به همسایه هم‌ردیف با عشق به خود و عشق به دیگری پایین‌تر از عشق به خود و همسایه قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحلیل «تماتیک» یک روش تحلیل محتوای کمی و کیفی است. در این روش تلاش می‌شود داده‌های گسترده را جزئی کرده و بر اساس جزئیات به تحلیل محتوا پرداخت. این روش پژوهشی الگوهای متفاوتی برای اجرا دارد. در پژوهش پیش‌رو از الگوی دوبخشی استفاده شده که از مقوله‌های اصلی و واحد بافت تشکیل شده است. مقوله‌های اصلی مولفه‌هایی هستند که از رویکرد/جهت پژوهشی قیاسی دریافت می‌شود. این مقوله‌ها مفاهیمی هستند که از چارچوب نظری پژوهش گرفته

می‌شود. در واحد بافت نموده‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد که بین مقوله‌های اصلی و متن - که در اینجا فیلم است - به صورت رفت و برگشتی یافت شده و وجوه مختلف آن اعم از سلبی، ایجابی و بدون وجه مورد بررسی قرار گرفته و در جدولی که با این الگو طراحی شده است، جاگذاری می‌شود. پس از اتمام جداول بر اساس داده‌ها و یافته‌های موجود، تحلیل صورت می‌پذیرد. نمونه‌ای از جدول طراحی شده به منظور دریافت نموده‌ها در زیر آورده شده است.

جدول ۱: معرفی الگو

ردیف	مقوله‌های اصلی	بافت		
		ایجابی	سلبی	بدون وجه
۱	اشتیاق برای رسیدن			
۲	حرکت ارادی به سمت عشق			
۳	نیک زیستن			
۴	بخشایش عشق			
۵	غایت: اتحاد عاشق و معشوق			
۶	مراتب عشق	خالق		
		همسایه		
		دیگری		
		خود		

یافته‌ها

تحلیل فیلم

فیلم مادر! ساخته دارن آرنوفسکی فیلمی است که تلاش دارد با استعاره‌ها، نشانه‌ها و رمزهای دینی، نظرات عمیق خود را بیان کند. در این فیلم خلقت زمین و انسان‌ها در یک

چرخه تکرارشونده به مخاطب نشان داده می‌شود که عشق نقش پررنگی در این ساختار دارد. در صحنه‌های ابتدایی و انتهای فیلم با قلبی روبرو هستیم که باعث ازسرگیری خلقت و آفرینش می‌شود. این قلب در واقع عشق یکی از مخلوقاتِ خالق به اوست. بنا به گفته خود خالق، آن مخلوق، خانه است که در قالب زنی آفریده شده و توجه و محبت او الهام‌بخشِ خالق برای آفرینش است.

فیلم با دو شخصیت محوری خالق و الهام‌بخش پیش می‌رود که هریک اسامی و نقش‌های استعاری متعددی دارند. برای مثال خالق در خانه همسر است و نزد سایرین یک شاعر معروف که در انتهای فیلم متوجه خالق بودن او می‌شویم و نامی که فیلمساز برای او در نظر گرفته «او» است. شخصیت الهام‌بخش، زنی است که مادر می‌شود و در واقع تمام فیلم مربوط به او و از زاویه نگاه اوست که انتهای فیلم از زبان خالق متوجه خانه بودن او می‌شویم و نامش در تیتراژ «مادر» آمده است. در این بین شخصیت‌های دیگری نیز به فیلم اضافه شده که داستان را پیش می‌برند. شخصیت دکتر، همسر و پسرانش که استعاره از آدم، حوا، هابیل و قابیل هستند و اقوام آن‌ها که همان انسان‌های دیگر بعد از خلقت آن‌ها هستند. در تیتراژ، دکتر یا آدم، «مرد» و همسرش، «زن» نام‌گذاری شده است. بعد از این، سایر شخصیت‌ها مبهم و کلی هستند. با این حال حضور تک‌تک آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است.

در این فیلم مراتب متفاوتی از عشق به خالق مشاهده می‌شود. عشق دکتر و همسرش به خالق، عشق زن خبرنگار به خالق، عشق طرفدار سرسختِ خالق و عشق مردم عادی به خالق که هرکدام انواع متفاوت دارد، اما عشق مادر یا خانه به خالق عشقی فراتر از سایرین است. او در تمام فیلم در حال از خودگذشتگی است و در انتهای فیلم که تقریباً همه چیزش را از دست داده، خالق از او عشقش را طلب می‌کند که تنها با آن زنده است و حیات دارد، او به خاطر خالق از آن نیز عبور کرده و حیات خود را از دست می‌دهد. به نظر می‌رسد این عشق از مرتبه بالاتری از تمام عشق‌ها قرار دارد، اما زن یک‌جا مقابل خالق می‌ایستد و آن برای دادن فرزندش به خالق است.

در انتها هم به خاطر از دست دادن فرزندش خود و سایرین را به آتش می‌کشد. اگرچه ممکن است این علاقه به فرزند نیز به خاطر خود خالق باشد و از آنجا که اعتمادی به مخلوقات و مهمان‌های داخل خانه ندارد، فرزندش را به خالق نمی‌سپارد، اما آنچه به تصویر درآمده است، نشان می‌دهد زن تحمل و صبر کافی برای آینده و اتفاقات آن ندارد.

خالق، مردم و مخلوقات را دوست دارد. او شوق زیادی برای ورود هر مهمان به خانه دارد و همیشه اصرار دارد که آن‌ها به خانه او بیایند و در آنجا ساکن شوند. با وجود اینکه مهمان‌ها اغلب بخشی از خانه را ویران می‌کنند، اما خالق هرگز حاضر نیست آن‌ها را از خانه بیرون براند. مادر/خانه/زمین، همیشه از حضور سایر انسان‌ها در خانه ناراحت و نگران است، اما خالق همواره نگرانی‌ها و ناراحتی‌های او را نادیده گرفته و گاهی به خاطر مهمان‌ها او را تنها می‌گذارد. به نظر می‌رسد اینکه خانه یا زمین تنها برای بشر خلق شده است، در این اثر به تصویر درآمده است. خالق بارها به خواسته‌های مادر بی‌توجهی کرده و دائماً از او طلب همراهی دارد؛ حتی زمانی که فرزندش را می‌کشند، او از مادر می‌خواهد که آن‌ها را ببخشد و صبور باشد که مادر حاضر به پذیرش آن نمی‌شود. (آرنوفسکی، ۲۰۱۷)

پس از دریافت مولفه‌های عشق از منظر آگوستین، تبیین رویکرد تحلیل تماتیک، و معرفی فیلم مادر! اثر آرنوفسکی، اکنون نوبت به تحلیل فیلم براساس کنش‌های شخصیت‌های محوری فیلم می‌رسد. از آنجا که جزئیات فیلم مادر! زیاد است و گاهی هر شخصیت و هر اتفاق می‌تواند نماد و استعاره‌ای از چندین مفهوم دینی و انسانی و اتفاقاتی باشد که در طول سالیان دراز بر بشر گذشته است، پرداختن به تمام جزئیات فیلم در یک مقاله میسر نیست. به همین منظور، تلاش شده عشق در این مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و بر این اساس عشق مورد نظر آگوستین بر فیلم تطابق داده شود.

رابطه مادر با او

در این بخش، مولفه‌های عشق از منظر آگوستین، در رابطه شخصیت مادر با شخصیت او ارزیابی می‌شود که در جدول ۲ بازتاب یافته است.

جدول ۲: تحلیل تماتیک رابطه شخصیت مادر با او

ردیف	مقوله‌های اصلی	بافت		
		ایجابی	سلبی	بدون وجه
۱	اشتیاق برای رسیدن	۳		
۲	حرکت ارادی به سمت عشق	۲		
۳	نیک زیستن	۵	۳	
۴	بخشایش عشق	۲	۲	
۵	غایت: اتحاد عاشق و معشوق		۱	
۶	مراتب عشق	خالق	۷	
		خود	۱	
		هم‌سایه	۱	
		دیگری	۴	۲

اشتیاق برای رسیدن

مقوله اشتیاق برای رسیدن در شخصیت مادر، دارای سه نمود ایجابی است که در زیر مشاهده می‌شود:

در صحنه‌های ابتدایی فیلم، مادر بیدار شده و به دنبال او می‌گردد. (ایجابی)
مادر، بعد از یافتن او خوشحال شده و تلاش دارد تا او را کنار خود نگه دارد. (ایجابی)
در صحنه‌های مختلف هنگامی که او از خانه بیرون می‌رود مادر منتظر اوست تا بیاید.

(ایجابی)

حرکت ارادی به سمت عشق

مقوله‌ی حرکت به سمت عشق برای رسیدن در شخصیت مادر، دارای دو نمود ایجابی است:

در صحنه‌ی رنگ زدن دیوار، مادر با دست زدن به دیوار و رجوع به خود، متوجه تپش قلب خود یا عشق شده و احساس شادمانی کرده و رنگ مورد نظر خود را گرم‌تر می‌کند. (ایجابی)

مادر، عشق را در درون خود یافته و برای حفظ آن تلاش می‌کند. تلاش او با خوردن دارویی زردرنگ به نمایش گذاشته می‌شود. (ایجابی)

نیک زیستن

در مقوله نیک زیستن در رابطه‌ی مادر با او پنج نمود ایجابی و سه نمود سلبی یافت شد:

با وجود اینکه از ماندن مرد ناراحت است، اما به خاطر او می‌پذیرد که مرد بماند. (ایجابی)

مادر برای محافظت از قلب شیشه‌ای که به نوعی خط قرمز اوست، تلاش می‌کند. (ایجابی)

از حضور و ماندن زن و مرد به خصوص بعد از شکستن قلب شیشه‌ای، خوشحال نیست و مخالفت خود را ابراز می‌دارد، اما بارها به خاطر او می‌پذیرد ساکنین جدید را تحمل کند. (ایجابی)

مادر بعد از حضور زن و مرد، اقوام آن‌ها را و سپس طرفداران او را به خاطر او تحمل می‌کند. (ایجابی)

مادر بارها درباره کتاب جدید او و ایده‌اش صحبت می‌کند و او از این یادآوری ناراحت می‌شود. (سلبی)

مادر از دادن فرزندش به او امتناع می‌کند. (سلبی)

مادر به صحبت‌های او درباره بخشش مردم گوش نداده و خود را به آتش می‌کشد.
(سلبی)

او از مادر می‌خواهد عشقش را به او بدهد و مادر می‌پذیرد. (ایجابی)

بخشایش عشق

مقوله بخشایش عشق در شخصیت مادر دارای دو نمود ایجابی و دو نمود سلبی است که می‌توان به ترتیب این‌گونه بیان کرد:

مادر تقریباً فقط عشق خود را نثار او می‌کند. (ایجابی)

مادر تلاش می‌کند زن و مرد و اقوام آن‌ها را به خاطر او دوست داشته باشد. (ایجابی)

زن و مرد و اقوامشان بارها از قوانین خانه سرپیچی کرده و مادر عشق خود را از آن‌ها

دریغ می‌کند. (سلبی)

مادر از حضور طرفداران او در خانه ناراضی است و این نارضایتی را بارها بیان می‌دارد،

اما کسی به حرف او گوش نمی‌دهد. (سلبی)

مراتب عشق

در مقوله مراتب عشق که خود به عشق به خالق، عشق به خود، عشق به همسایه و عشق به دیگری تقسیم می‌شود، به ترتیب در مقوله عشق به خالق، نوزده نمود ایجابی و هفت نمود سلبی؛ در عشق به خود سه نمود ایجابی و یک نمود سلبی؛ در عشق به همسایه، تنها یک نمود سلبی؛ و در عشق به دیگری، یک نمود ایجابی، چهار نمود سلبی، دو نمود بدون وجه دیده می‌شود:

خالق: مادر با دیدن خالق در اولین صبح، خوشحال شده و او را می‌بوسد. (ایجابی)

مادر به او می‌گوید که بوی بدن او را دوست دارد. (ایجابی)

مادر دائماً نگران ایده‌پردازی خالق است و دوست دارد او زودتر به نتیجه‌ای برسد.

(ایجابی)

برای اینکه او بتواند فقط به ایده پردازی خود رسیدگی کند، تمام کارهای خانه، اعم از تعمیرات، رنگ کاری، تمیزکاری، پختن غذا را به عهده گرفته و زمانی که او می خواهد به کار کوچک در خانه انجام دهد، به او می گوید که خودش آن کار را انجام می دهد. (ایجابی)

مادر از دروغ او که می گوید همسرش مهمان دوست دارد، ناراحت می شود. (سلبی)

مادر از اینکه او بدون اطلاع دادن و نظرخواهی از او مهمان دعوت می کند یا مهمان ها را نگه می دارد، ناراحت می شود. (سلبی)

هنگامی که او از مرد تعریف کرده و می گوید صحبت با کسی که قدر کارهایش را می داند، الهام بخش است، مادر به او می گوید: «من عاشق کاراتم». (ایجابی)

مادر تمام تلاش خود را می کند تا خواسته های او را اجابت کرده و با او مخالفت نکند. بارها افراد ناشناس را به خاطر او در خانه تحمل می کند. (ایجابی)

مادر از مهمان های او پذیرایی کرده و خراب کاری های آن ها را اصلاح می کند. (ایجابی)

تمام درد و رنج های خود را بدون کمک گرفتن از او تحمل کرده و خودخوری می کند. (ایجابی)

با وجود آنکه مادر می داند او مهمانانش، اعم از زن و مرد و اقوامشان را دوست دارد و نمی خواهد آن ها از آن جا بیرون روند، آن ها را بیرون می کند. (سلبی)

زن، با شنیدن حرف های مادر و دیدن رفتارهای او، چندبار به مادر می گوید که مشخص است عاشق او است. (ایجابی)

مادر از او رابطه جنسی می خواهد. (ایجابی)

صبح روزی که مادر می فهمد باردار است، این را به او می گوید و باعث خوشحالی او می شود. (ایجابی)

مادر باردار شده و این بارداری او الهام بخش او برای نوشتن می شود. (ایجابی)

مادر در انتظار برگشتن او خود را آراسته کرده و برای او کیک و شام پخته و میز زیبایی می چیند. (ایجابی)

کتاب‌های او جشن گرفته است. او را در آغوش گرفته و یکدیگر را می‌بوسند. (ایجابی)
 مادر در بدو ورود طرفداران او به او می‌گوید که می‌خواهد با او تنها باشد. (ایجابی)
 بی‌توجهی او در مورد درخواست مادر مبنی بر نبودن دیگر افراد مادر را ناراحت کرده و
 در را به روی او می‌بندد. (سلبی)

او از مادر می‌خواهد که فرزندشان را برای نشان دادن به مردم بدهد، اما مادر نمی‌پذیرد.
 (سلبی)

او از مادر می‌خواهد که مردم را بیخشد، اما مادر عصبانی شده و خود را به آتش
 می‌کشد. (سلبی)

مادر قلب خود را که عشقش است، به او داده و خود نابود می‌شود. (ایجابی)
خود: در صحنه رنگ زدن دیوار، هنگامی که مادر دست خود را به دیوار می‌زند و متوجه
 تپش قلب یا عشق در وجود خود شده و از داشتن عشق در درون خود خشنود می‌شود.
 (ایجابی)

بعد از توجه او به قلب خود، با آمدن هر فردی به خانه و عدم رعایت قوانین خانه، قلب
 او درد گرفته و این درد شدیدتر می‌شود. مادر برای از بین رفتن درد خود دارویی زردرنگ را
 می‌خورد که این به نوعی مراقبت از خود و خوددوستی به نظر می‌رسد. (ایجابی)
 مادر با به وجود آمدن فرزند، داروی زردرنگ را بیرون ریخته و فکر می‌کند دیگر نیازی
 به دارو نخواهد داشت. (سلبی)

مادر برای محافظت از خود مردم را از خود می‌رانند. (ایجابی)
همسایه: مادر از نزدیک شدن و محبت کردن به افراد ناشناس پرهیز دارد و به جز او
 کسی را نمی‌شناسد. (سلبی)

دیگری: مادر با حضور هر فرد و به هم خوردن خلوت و سکوت خانه، متعجب و دلگیر
 شده و با حضور آن‌ها موافق نیست. (سلبی)

مادر در صحنه‌های ابتدایی به زن و مرد قوانین خانه را تذکر می‌دهد و از آن‌ها
 می‌خواهد که در خانه سیگار نکشند، به وسایل خانه دست نزنند، به اتاق او نروند و با

سریچی آن‌ها از این قوانین به شدت از آن‌ها دلزده شده و به نظر می‌رسد علاقه‌ای به آن‌ها ندارد. (سلبی)

مادر با درخواست زن، به زن کمک می‌کند تا لباس‌های کثیفش را بشوید. (بدون وجه)
مادر سعی می‌کند جلوی دعوا و زد و خورد دو پسر را بگیرد. (بدون وجه)
با وجود اینکه مادر از حضور فرزندان زن و مرد ناراضی است، بعد از کشته شدن فرزندشان، سعی دارد با آن‌ها همدلی و همراهی کند. (ایجابی)
پس از حضور اقوام زن و مرد و تذکر مدام مادر به آن‌ها درباره اینکه کجا نشینند و به چه چیزهایی دست نزنند، خسته شده و طاقت خود را از دست داده و آنان را از خانه بیرون می‌کند. (سلبی)

بعد از کشته شدن فرزندش توسط مردم به آن‌ها حمله کرده و آن‌ها را می‌کشد. (سلبی)

غایت: اتحاد عاشق و معشوق

در این مقوله، یک نمود سلبی وجود دارد که شرح آن در زیر آمده است:
در این فیلم فنا رخ می‌دهد، اما این فنا در مخالفت با او اتفاق می‌افتد. او مادر را برای مخلوقات می‌خواهد و به عشق او نیاز دارد، مادر عشقی که در قلبش نهفته است را تقدیم او می‌کند و خود کاملاً از بین می‌رود، اما یکی شدنی اتفاق نمی‌افتد، تنها با عشق مادر حیات ادامه پیدا کرده و خلقت جدیدی رخ می‌دهد. (سلبی)

رابطه مرد با او

در این بخش، مولفه‌های عشق از منظر آگوستین، در رابطه شخصیت مرد با شخصیت او ارزیابی می‌شود که در جدول ۳ بازتاب یافته است.

جدول ۳: تحلیل تماتیک رابطه شخصیت مرد با او

ردیف	مقوله‌های اصلی	بافت
------	----------------	------

بدون وجه	سلبی	ایجابی		
		۲	اشتیاق برای رسیدن	۱
		۲	حرکت ارادی به سمت عشق	۲
	۱	۳	نیک زیستن	۳
	۱		بخشایش عشق	۴
	۱		غایت: اتحاد عاشق و معشوق	۵
	۱	۸	خالق	۶
	۳		خود	
		۷	همسایه	
	۴	۴	دیگری	

اشتیاق برای رسیدن

در مقوله اشتیاق به رسیدن در رابطه با شخصیت مرد دو نمود ایجابی دیده می شود:
 مرد با وجود داشتن بیماری برای دیدن او به خانه آمده است. (ایجابی)
 مرد اکثر اوقات خود را با او می گذراند و تلاش می کند تا به او نزدیک شود. (ایجابی)

حرکت ارادی به سمت عشق

در این مقوله نیز دو نمود ایجابی وجود دارد:
 او اولین بار قلب شیشه ای که نمادی از عشق است را به مرد نشان می دهد و پس از آن،
 مرد علاقمند است تا قلب را در دست بگیرد و با آن بیشتر آشنا شود. (ایجابی)
 مرد، به قلب شیشه ای توجه دارد و برای دستیابی به آن با همراهی همسرش به اتاق
 می روند. (ایجابی)

نیک زیستن

مقوله نیک زیستن، در رابطه مرد با او دارای سه نمود ایجابی و یک نمود سلبی است که در زیر بیان شده است:

مرد تلاش می کند آن گونه باشد که او می خواهد. (ایجابی)

او برای کشیدن سیگار و خوردن مشروب به مرد سختگیری نمی کند و حتی در خوردن مشروب مرد را همراهی می کند. (ایجابی)

با وجود آنکه مشخص است بیماری مرد به دلیل همین سبک زندگی است، تنها موردی که او از مرد می خواهد که آن را رعایت کند، دست نزدن به قلب شیشه ای است. مرد به این دستور عمل می کند. (ایجابی)

اما با حضور زن، به اتاق رفته و با همراهی زن به قلب شیشه ای دست زده و آن را می شکنند. او از این بابت بسیار ناراحت شده، آن ها را از اتاق بیرون می راند. (سلبی)

بخشایش عشق

این مقوله نمودی سلبی دارد که در زیر آمده است:

مرد هم عاشق همسر خود است و هم عاشق او، اما به نظر می رسد همسرش را بیشتر از او دوست دارد، زیرا به خاطر زن از فرمان او سرپیچی می کند؛ یعنی به زن محض خاطر خالق عشق نمی ورزد. (سلبی)

مراتب عشق

در این مقوله هشت نمود ایجابی و یک نمود سلبی در مرتبه عشق به خالق؛ سه نمود سلبی در مرتبه عشق به خود؛ هفت نمود ایجابی در مرتبه عشق به همسایه؛ و چهار نمود ایجابی و چهار نمود سلبی در مرتبه عشق به دیگری در شخصیت مرد وجود دارد:

خالق: در صحنه ورود مرد به خانه، او برای نگه داشتن مرد می گوید که: «ممکن است

پایش پیچ بخورد و به دکتر نیاز پیدا کند.» مرد ابراز امیدواری می کند که چنین اتفاقی نیفتد و

درخواست او را برای ماندن در خانه می‌پذیرد. (ایجابی)

مرد هنگام خوردن مشروبی که همراه خود دارد، به مادر می‌گوید: «راستشو بگم زورم می‌آید از آن به کسی بدهم.» در همان لحظه مشاهده می‌شود که او در حال نوشیدن مشروب مرد است و این نشان می‌دهد که مرد مشروب خود را که برایش عزیز است، به او داده است. (ایجابی)

مرد به خالق علاقه‌مند است و به او می‌گوید که بزرگ‌ترین طرفدار اوست و کتابش را بارها خوانده و باعث تغییر در زندگی‌اش شده است (ایجابی): «من بزرگ‌ترین طرفدارم، بارها خوندمش، کلمه‌های تو زندگی منو عوض کرد.»

مرد با او به پیاده‌روی در طبیعت می‌روند و زن به مادر می‌گوید که همسرش چندان اهل طبیعت نیست. این نشان می‌دهد مرد به خاطر همراهی با او این کار را انجام داده است. (ایجابی)

مرد اگرچه در ابتدا پنهان می‌کند، اما مشخص می‌شود که برای دیدار او به خانه آمده است. (ایجابی)

در صحنه‌ای مادر به او می‌گوید که عکسی از او در ساک لباس‌های مرد دیده و به این نتیجه رسیده است که مرد یکی از طرفداران دیوانه اوست و او این را تایید می‌کند. (ایجابی)

او، خانه و خود را وقف مرد می‌کند، اما مرد با توجه به پیروی از همسرش برای تماشای قلب شیشه‌ای و دست زدن به آن نشان می‌دهد آن عشقی که باید را به خالق ندارد. (سلبی)

مرد بعد از شکسته شدن قلب شیشه‌ای ناراحت شده و از او می‌خواهد اشتباهش را با پول و خریدن قلبی دیگر جبران کند. (ایجابی)

در سوگواری پسر کشته‌شده، زن از او می‌خواهد برای تسکین همسرش حرفی بزند، چراکه می‌داند همسرش برای او احترام زیادی قائل است. (ایجابی)

خود: به نظر می‌رسد مرد عشقی به خود ندارد. مرد به سلامتی خود اهمیت نداده و به‌طور مداوم در حال سیگار کشیدن و مشروب خوردن است.

مادر در صحنه‌های اولیه ورود مرد به او می‌گوید: «ما سیگار نمی‌کشیم» و مرد می‌گوید: «کار خوبی می‌کنید.» این یعنی مرد می‌داند که سیگار کشیدن کار خوبی نیست، اما باز هم سیگار می‌کشد. (سلبی)

مرد را در توالی مشاهده می‌کنیم که در حال بالا آوردن است و او بیان می‌دارد که حال بد مرد از خوردن مشروب زیاد است. (سلبی)

به گفته همسرش بیماری او به دلیل سیگار کشیدن اوست. (سلبی)
همسایه: عشق مرد به همسرش هم از زبان خودش بیان می‌شود و هم با اعمالی که انجام می‌دهد، به نمایش گذاشته می‌شود.

هنگام ورود زن به خانه، مرد با دیدن او می‌گوید: «اون نیمه گمشده منه» و زن را در آغوش کشیده و می‌بوسد. (ایجابی)

زن از مرد می‌خواهد که سیگارش را دور بیندازد و مرد فوراً این کار را انجام می‌دهد. (ایجابی)

هنگام سوختن دست زن در آشپزخانه، مرد از مادر می‌خواهد که برایش یخ بیاورد و زن را دلداری می‌دهد که طوری نشده است. (ایجابی)

سر میز صبحانه مرد درباره عشق و عاشقی صحبت کرده و می‌گوید که وقتی زن را دیده متوجه شده است او همان کسی است که می‌خواهد بقیه عمرش را کنارش بگذرانند. (ایجابی)

مرد بعد از صحبت‌های همسرش سر میز صبحانه به زیبایی او اشاره کرده و دوباره او را می‌بوسد. (ایجابی)

مرد، زن را برای رفتن به اتاق کار او همراهی می‌کند و با وجود اطلاع از حساسیت او در دست نزدن به قلب شیشه‌ای جلوی همسرش را نمی‌گیرد و حاضر است به خاطر اشتباه او تاوان دهد. (ایجابی)

بعد از شکستن قلب شیشه‌ای و ناراحتی او، مرد نه تنها زن را از خود نمی‌راند، بلکه با او آمیزش جنسی دارد و محبتش به همسرش کم نمی‌شود. (ایجابی)

دیگری: در بدو ورود هنگامی که مادر از مرد می پرسد برایش چای بیاورد یا نه، مرد برای اینکه به او زحمت ندهد جواب رد می دهد. (ایجابی)

مرد مشروبی که زورش می آید به کسی بدهد را به زن تعارف می کند. (ایجابی)
مرد پاسخ دروغ به سوال زن که می پرسد چرا به خانه آن ها آمده است و می گوید فکر کرده آنجا یک مهمان خانه است و خواسته یک اتاق بگیرد. (سلبی)
وقتی متوجه می شود که زن از حضور او ناراضی است، قصد ترک خانه را می کند. (ایجابی)

هنگامی که او در اتاق کارش از مادر تعریف می کند، مرد مادر را تحسین کرده و می گوید: «پس فقط خوشگل نیستی»، به این معنی که او علاوه بر زیبایی ظاهری، توانمندی زیادی دارد. (ایجابی)

مادر به مرد می گوید که نباید در خانه سیگار بکشد، مرد در ظاهر و جلوی چشم مادر این کار را انجام می دهد، اما در اتاق خود پنهانی سیگار می کشد. (سلبی)
مادر فندک مرد را پشت میز می اندازد تا مرد سیگار نکشد. روز بعد مرد برای آتش زدن سیگارش به طور ناگهانی وارد آشپزخانه شده و مادر را می ترساند. (سلبی)
با وجود اینکه متوجه هست مادر از حضور خود، همسر و خویشاوندانش ناراضی است، اما خانه را ترک نمی کند. (سلبی)

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
رئال جامع علوم انسانی

غایت: اتحاد عاشق و معشوق

در این مقوله نمودی سلبی وجود دارد:
مرد به چنین غایتی نمی رسد. به دلیل همراهی با همسرش برای تماشای قلب شیشه‌ای و اشتباهاتی که خویشاوندانش مرتکب می شوند، مجبور می شود خانه را ترک کرده و از او دور می شود. (سلبی)

رابطه زن با او

در این بخش، مولفه‌های عشق از منظر آگوستین، در رابطه شخصیت زن با شخصیت او ارزیابی می‌شود که در جدول ۴ بازتاب یافته است.

جدول ۴: تحلیل تماتیک رابطه شخصیت زن با او

ردیف	مقوله‌های اصلی	بافت		
		ایجابی	سلبی	بدون وجه
۱	اشتیاق برای رسیدن		۱	
۲	حرکت ارادی به سمت عشق	۲		۱
۳	نیک زیستن		۱	
۴	بخشایش عشق	۱	۱	
۵	غایت: اتحاد عاشق و معشوق		۱	
۶	مراتب عشق	خالق	۳	۱
		خود	۳	
		همسایه	۶	
		دیگری	۳	۶

اشتیاق برای رسیدن

این مقوله دارای نمودی سلبی است:

زن بیش از آنکه اشتیاقی برای رسیدن به خالق داشته باشد، مشتاق مرد است. برای بودن در کنار مرد به خانه می‌آید، اما بعد از آشنایی با او از بخشنده‌گی و سخاوت او نزد مادر تمجید کرده و از همراهی همسرش با او خشنود است، اما تلاشی برای نزدیک شدن به او نمی‌کند. (سلبی)

حرکت ارادی به سمت عشق

حرکت ارادی به سمت عشق در شخصیت زن دارای دو نمود ایجابی و یک نمود بدون وجه است:

برخلاف مرد، زن داستان از قبل درباره حضور قلب شیشه‌ای در اتاق چیزی نمی‌داند، اما کنجکاو است تا به اتاق رفته و آنجا را مشاهده کند. (بدون وجه)
بعد از آشنایی با قلب شیشه‌ای در فکر رسیدن به آن است. (ایجابی)
او کسی است که قلب را در دست گرفته و شکسته است، یعنی بیش از مرد برای به دست آوردن قلب که نماد عشق است، تلاش کرده است. (ایجابی)

نیک زیستن

این مقوله نیز دارای نمودی سلبی است:
به نظر می‌رسد زن، علاوه بر حوا بودن، نمادی از شهوت و جاذبه‌های جنسی باشد. او تلاش می‌کند به مادر آموزش‌های جنسی برای نزدیکی به او بدهد و مادر را برای بچه‌دار شدن تشویق می‌کند. به نظر می‌رسد خیرخواه مادر است، اما با وجود مخالفت‌ها و هشدارهای مادر، بارها به طرف اتاق رفته و در آخر قلب شیشه‌ای را با همراهی مرد می‌شکند. این نخستین گناه و سرپیچی‌ای است که توسط زن صورت می‌گیرد، چراکه به نظر می‌رسد وسوسه‌های او باعث شده مرد نیز سراغ قلب شیشه‌ای برود. (سلبی)

بخشایش عشق

در این مقوله یک نمود ایجابی و یک نمود سلبی وجود دارد:
زن به شکل‌های مختلف به همسرش عشق می‌ورزد. (ایجابی)
زن، به نظر می‌رسد خیرخواه مادر نیز هست، اما از جایی که متوجه می‌شود مادر از حضور آن‌ها ناراضی است، محبتش به مادر را از دست می‌دهد و نگاه آخری که به مادر دارد، همراه با نفرت است. (سلبی)

مراتب عشق

شخصیت زن در مرتبه عشق به خالق دارای سه نمود ایجابی و یک نمود سلبی؛ در مرتبه عشق به خود سه نمود ایجابی؛ در مرتبه عشق به همسایه شش نمود ایجابی؛ و در مرتبه عشق به دیگری دارای سه نمود ایجابی و شش نمود سلبی است:

خالق: در بدو ورود زن از افتخار آشنایی با او سخن می گوید. (ایجابی)

زن احساس خوبی نسبت به خالق دارد و از بخشندگی او به مادر می گوید. (ایجابی)
زن از فرمان او که توسط مادر ابلاغ شده است، سرپیچی می کند و به اتاق او رفته، قلب شیشه‌ای را در دست گرفته و می شکند. (سلبی)

بعد از کشته شدن فرزندشان، زن در حضور اقوامش از مهمان‌نوازی او قدردانی می کند. (ایجابی)

خود: زن به خود عشق می ورزد. او به خودش اهمیت می دهد و از سلامتی و تناسب اندام برخوردار است. (ایجابی)

زن برای خود لیموناد درست می کند. (ایجابی)
زن به لباس پوشیدن خود اهمیت می دهد. او جلوی چشم دیگران و در اتاق خواب خود همواره شیک و مرتب است. (ایجابی)

همسایه: زن نسبت به مرد عشق و علاقه دارد و این را در گفتگوی میز صبحانه بیان می دارد اما معتقد است با آمدن بچه‌هایشان به رابطه‌ی آن‌ها خدشه وارد شده است. (ایجابی)
از مرد می خواهد که هنگام پیاده‌روی آرام راه برود. (ایجابی)

در صحنه شستن لباس‌های چرک، زن به مادر آموزش می دهد که چطور همسرش را به خود نزدیک نگه دارد و با نشان دادن لباس زیر خود به مادر می فهماند که خودش این کار را به خوبی بلد است. (ایجابی)

با شنیدن سرفه‌های مرد، زن نگران او شده و به مرد می گوید این امر به خاطر سیگار است و او را می برد تا به او قرص بدهد. (ایجابی)

زن به خاطر مرد که می خواهد در خانه بماند، با مادر جروب‌بحث می کند. (ایجابی)

زن با همسرش رابطه جنسی دارد و با توجه به صحبت‌هایی که در زیرزمین با مادر داشته، این را یک امتیاز از نوع روابط عاشقانه می‌داند. (ایجابی)

دیگری: در ابتدای ورود زن به خانه، با مادر رابطه خوبی دارد، اما کم‌کم رابطه آن‌ها خراب می‌شود.

در صحنه سوختن غذا زن تلاش می‌کند به مادر کمک کند، و این کمک باعث می‌شود دست خودش بسوزد. (ایجابی)

زن برای مادر لیموناد درست کرده و سعی می‌کند با گفتگو به او نزدیک شود. (ایجابی)

زن برای درست کردن لیموناد، آشپزخانه مادر را به هم ریخته و دستشویی را نیز کثیف کرده است. او آن‌ها را تمیز نکرده و مادر مجبور به انجام این کار می‌شود. (سلبی)

زن سعی می‌کند مادر را برای نزدیک شدن به همسرش راهنمایی کند. (ایجابی)

زن به توصیه مادر برای نزدیک نشدن به اتاق کار او گوش نمی‌دهد و چند بار تلاش می‌کند به اتاق رفته و در آخر با همراهی همسرش این کار را انجام می‌دهد. (سلبی)

بعد از شکستن قلب شیشه‌ای، مادر از زن و مرد می‌خواهد که از خانه بیرون بروند، اما زن با مادر جروب‌بحث می‌کند. (سلبی)

مادر به اتاق زن و مرد رفته و از زن می‌خواهد آنجا را ترک کنند. زن با ناراحتی پذیرفته و در اتاق را به روی مادر می‌بندد. (سلبی)

بعد از کشته شدن پسر زن مادر، به زن تسلیت می‌گوید، اما زن با ناراحتی از مادر رو برمی‌گرداند و جوابش را نمی‌دهد. (سلبی)

در صحنه‌ای دیگر دوباره مادر به زن تسلیت می‌گوید، اما زن به مادر کنایه زده و می‌گوید تا زمانی که بچه ندارد، نمی‌تواند درک درستی داشته باشد. همچنین درباره لباس نامناسب به او تذکر می‌دهد. (سلبی)

غایت: اتحاد عاشق و معشوق

این مقوله دارای نمودی سلبی است:

هیچ نزدیکی و اتحادی بین زن و او شکل نمی‌گیرد. تمام رابطه او و زن زیر سایه‌ی مرد است و زن ارتباط مستقیم و یا علاقمندی به خصوصی به او ندارد. (سلبی)

بحث و نتیجه‌گیری

فیلم مادر! فیلمی پر از جزئیات و نشانه است. آرنوفسکی تلاش کرده با استفاده از مفاهیم دینی و کاربرد استعاره‌ها، جهانی را در یک خانه به تصویر کشیده و بر اساس آن، معانی و مفاهیم انسانی را به مخاطب ارائه دهد و او را به فکر فرو برده و حتی هشدار دهد؛ هشدار درباره نابودی زمین، درباره رابطه انسان‌ها با خالق و با یکدیگر، درباره داستان آفرینش و نقش گناه نخستین در نافرجامی خلقت و از همه مهم‌تر درباره عشق. در این فیلم مفهوم عشق پایه و اساس سایر مضامین قرار گرفته است.

فیلم با تصویر سوختن زنی در آتش و قرار گرفتن قلبی شیشه‌ای بر روی پایه‌ای آغاز و با همان تصویر به پایان می‌رسد. قلبی که در انتهای فیلم مشخص می‌شود، نمادی از عشق است و همین عشق خانه را زنده و مهیا کرده است. عشقی که شخصیت او یا خالق آن را خلق کرده، در درون زنی نهفته و آن را باز پس می‌گیرد. به گفته‌ی او، مادر، خانه است و مخاطب متوجه این است که خانه همان زمینی است که انسان‌ها به آن پناه آورده‌اند. هنگامی که سایر مخلوقات انسانی از قوانین مادر/خانه سرپیچی کرده و افراطی‌گری می‌کنند، مادر/خانه خشمگین شده و به سوی انسان‌ها هجوم می‌برد. خالق که عاشق مخلوقات خود است، از خانه می‌خواهد که در برابر اشتباهات انسان‌ها صبور باشد و آن‌ها را ببخشد، اما مادر نپذیرفته و با خشم خود همه را نابود می‌کند. با توجه به این روایت می‌توان مولفه‌های عشق از منظر آگوستین را بر روی این فیلم مطابقت داده و بر اساس آن نتیجه گرفت که تا چه اندازه این فیلم به تفکرات مسیحیت نزدیک بوده است.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در اندیشه آگوستین چند مولفه‌ی مهم درباره عشق وجود دارد. نخست اشتیاق برای رسیدن است. اشتیاق برای رسیدن، در اینجا در اشتیاق برای رسیدن به شخصیت او در نظر گرفته شده است. در بین شخصیت‌های موردبررسی

در فیلم، این نتیجه حاصل شد که اشتیاق برای رسیدن در شخصیت مادر، نمود بیشتری دارد. از دیگر مولفه‌ها، حرکت ارادی به سمت عشق است. از آنجا که در فیلم، قلبِ مادر نمادی از عشق به تصویر درآمده است، هر شخصیتی نسبت به آن اشتیاق و توجه داشته باشد، گویی عاشق عشق است و حرکت به سمت قلب، حرکت به سمت عشق به تصویر درآمده است.

در این مولفه به طور کلی تمام شخصیت‌ها به یک میزان به قلب توجه دارند، اما شخصیت زن بیش از سایرین به سمت قلب شیشه‌ای در حرکت است. مولفه بعدی نیک زیستن است که در فرمان‌برداری از شخصیت او نمود پیدا می‌کند؛ به این معنی که هر شخصیتی بیشتر بتواند خود را با خواسته‌های او تطبیق داده و هماهنگ گرداند، آن شخصیت زیست بهتری داشته است. در فیلم شخصیت مادر و مرد تلاش دارند تا آن‌گونه باشند که او از آن‌ها انتظار دارد، اما هر کدام در موقعیتی نشان می‌دهند که نمی‌توانند کاملاً همان باشند که او از آن‌ها انتظار دارد.

در اندیشه آگوستین، خالق بدون چشمداشت عشق خود را نثار مخلوقات کرده و آن‌ها را با عشق خلق کرده است و مخلوقات نیز برای رسیدن به پروردگار خود باید هم خدا را دوست داشته باشند و هم مخلوقات او را. از این رو هر کس خداوند را بیشتر دوست داشته باشد، مخلوقات او را نیز بیشتر دوست دارد. در واقع باید مخلوقات را محض خاطر خدا دوست داشته باشند. بخشایش عشق مولفه‌ای است که از این دیدگاه به دست آمده است، اما شخصیت‌های مادر، مرد و زن هیچ‌یک تمام و کمال آن‌گونه نیستند که بتوانند هم او را دوست داشته باشند و هم دیگران را به خاطر او دوست داشته باشند.

مولفه دیگری که مورد بررسی قرار گرفته است، مولفه غایت عشق است که در اندیشه آگوستین عاشق و معشوق باید به وحدت برسند تا عشق آن‌ها کامل شود. این یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی است که می‌توان تمام اندیشه آگوستین درباره عشق را ذیل آن تعریف کرد، اما هیچ‌یک از شخصیت‌های فیلم به این غایت دست پیدا نمی‌کنند. با وجود اینکه مادر بیش از سایرین عاشق او است و در آخر تنها دارایی‌اش را نیز نثار او می‌کند، اما با این حال

مادر نیز زمانی خود را به نابودی می‌کشد که توان بخشش ندارد و صبر نکرده و به توصیه‌های او گوش نمی‌سپارد.

عشق مورد نظر آگوستین دارای مراتبی است که هر مخلوقی بسته به توان خود می‌تواند از مرتبه‌ای بهره برد. هر مخلوقی بتواند تمام این مراتب را در خود ایجاد کند، به کمال مورد نظر آگوستین رسیده و سعادتمند می‌شود. در اینجا شخصیت او، خالق، شخصیت مرد و زن نسبت به یکدیگر همسایه و نسبت به مادر دیگری در نظر گرفته شده‌اند. شخصیت مادر بیش از سایر شخصیت‌ها عاشق اوست و به نظر می‌رسد بالاترین مرتبه عشق که همان عشق به خالق است را بیش از سایر شخصیت‌ها داراست، اما نقطه ضعف مادر این است که همسایه و دیگری را دوست ندارد و همین، سبب دوری او از کمال و سعادت است. شخصیت مرد نیز علاوه بر اینکه خود دوستی ندارد، اما همسایه‌اش را هم تراز با خالق و حتی بیشتر از او دوست دارد. شخصیت زن به مرور از دیگری فاصله گرفته و محبتش به او را از دست می‌دهد و عشق و علاقه‌اش به همسایه بیش از علاقه‌اش به خالق است.

به طور کلی عشق مورد نظر آگوستین در فیلم مطرح نشده، اما مشابهت‌هایی را می‌توان در آن دید. مادر عاشق او است، اما مخلوقات او را دوست ندارد. مرد دوستدار او، همسایه و دیگری است، اما هم خود را چندان دوست ندارد و هم به اتحادی عاشقانه با او نمی‌رسد. شخصیت زن که به نظر می‌رسد جایگاهی پایین‌تر از باقی دارد، هم از نظر خلقت و هم از نظر نزدیکی با او، بیشتر عاشق خود و همسایه‌اش است تا خالق و دیگری. بنابراین با عطف نظر به مولفه‌های عشق از منظر آگوستین، و تحلیل شخصیت‌های فیلم مادر!، این نتیجه حاصل شده است که هر یک از شخصیت‌های مهم این روایت به نوعی از عشق مورد نظر آگوستین فاصله دارند.

منابع

۱. آگوستین، قدیس (۱۳۸۱). اعترافات. ترجمه سایه میثمی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲. آرنه، هانا (۱۴۰۰). عشق و آگوستین قدیس. ترجمه مریم خدادادی، تهران: نشر بیدگل.
۳. تاتارکیویچ، ووادیسواف (۱۳۹۶). تاریخ زیبایی‌شناسی. ترجمه سیدجواد فندرسکی، تهران: نشر علم.
۴. کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه. ج ۲. ترجمه ابراهیم دادجو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. بحرانی، صدیقه؛ اسدی، محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی برخی از ابعاد عشق الاهی از دیدگاه مولوی و آگوستین. نشریه قیسات، (۸۸)، ۵-۳۶.
۶. غیاثی، ناهید؛ قنبری، بخشعلی؛ عدلی، محمدرضا (۱۴۰۱). اخلاق شفقت به روایت آگوستین. نشریه پژوهش‌های ادیانی، (۱۹)، ۱۰۲-۱۲۲.
۷. کوشکی، زهرا (۱۳۸۹). انعکاس عشق در آینه ادیان: مقایسه تطبیقی عشق در عرفان قدیس آگوستین و عطار نیشابوری. اطلاعات حکمت و معرفت، ۵ (۶)، ۴۴-۴۸.
8. Aronofsky, Darren (2017). *Mother* [Film], Protozoa Pictures.
9. St. Augustine (1982). *Eighty-Three Different Questions* (Fathers of the Church Patristic Series), Translated by David L. Mosher, The Catholic University of America Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Thematic Analysis of the Concept of Love for the Creator in Aronofsky's Film Mother Based on Augustine's Ethics

Zahra al-Sadat Hosseini (corresponding author)*

Seyed Mohammad Hossein Navab**

Abstract

Augustine, as one of the prominent figures in the field of Christian thought, has been the focus of thinkers. His ideas are based on Christian faith and rooted in belief in the one God. One of the important teachings under Augustine's theism is the concept of love. Augustine considers love as a concept that encompasses the highest manifestation of faith and pious belief. Based on his beliefs, components can be categorized under the concept of love, including: desire for attainment, voluntary movement towards love, good living, forgiveness of love, goal: union of lover and beloved, and degrees of love. Since Western cinema has made numerous films with the concept of love, one of the most prominent recent films, Mother! Directed by Darren Aronofsky, which has received less attention from the perspective of the concept of love, can be examined based on Augustine's teachings. Therefore, the purpose of this research is to analyze the film Mother! Based on the components derived by the researcher from Augustine's views. For this purpose, using the thematic analysis method, the relationship of three important and influential characters in the film, namely Mother, Man, and Woman, is obtained in tables according to this research method, and it is concluded that in the film Mother!, the three main characters of the film approach but are distant from the Christian concept of love from Augustine's perspective.

Keywords: Augustine, Love, Aronofsky, Mother, Thematic Analysis.

* PhD student, Faculty of Religion and Arts, University of Religions and Religions, Qom, Iran. zshosseini93@gmail.com

** Assistant Professor, Faculty of Philosophy and Art Wisdom, Research Institute of Islamic Art and Thought, Qom, Iran. snavab@gmail.com